

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نحوه‌ی توجّه اهل معرفت و عرفان به سلام

اما ببینیم در بین اهل معرفت و اهل عرفان چگونه به سلام توجّه شده است. سلام جدّی را تازه‌وارد به جمع می‌دهد. الان دوستی از راه می‌رسد؛ وارد مجلس می‌شود و سلام می‌کند. البته این ادب را هم در دستورالعملی که به‌عنوان "آداب بهره‌بردن از مجالس معنوی" خدمت عزیزان داده‌ایم، گفته‌ایم که وقتی در یک مجلس معنوی وارد شدید، چه وارد مسجد شدید، که نمازگزارها نماز می‌خواندند و چه وارد مجلس دعا، ذکر، موعظه، خطابه و امثال اینها شدید، با صدای بلند به جمع سلام نکنید؛ کراهت دارد. در دلتان به آنها سلام کنید. سلامی که از دل می‌کنید، بسیار عمیق‌تر از سلامی است که با لفظ بلند می‌دهید؛ چون سلامی که با لفظ بلند می‌کنید، توجّه‌ها را از چیزی که مشغول آن هستند، منصرف می‌کند. مثلاً اگر نماز خواندن است؛ درست است وقتی شما سلام کردید، بر کسانی که نماز می‌خوانند، واجب است جواب سلام شما را بدهند؛ اما کار خوبی نکرده‌اید! این سلام مکروه است. یا مثلاً کسی نشسته است و قرآن می‌خواند. وقتی به او رسیدید، اگر سلام کنید؛ این کار مکروه است؛ زیرا رابطه‌ی او را با خدا قطع کرده‌اید. یا شخصی مشغول دعا و مناجات است؛ وقتی به او رسیدید، اگر سلام کنید؛ این سلام کردن مکروه است؛ چون حواس او را از دعا، مناجات و ذکرش منصرف و منحرف کرده‌اید و یا مجلسی است که در آن صحبتی می‌شود و همه‌ی افراد در آن صحبت متمرکزند. کسی از در می‌رسد، اگر با صدای بلند سلام کند؛ همه‌ی حواس‌ها از آن صحبت پرت می‌شود. بنابراین این ادب را مراعات کنیم که وقتی وارد مجلسی شدیم که افراد مشغول عبادت، یا

شنیدن مباحثی هستند، هم سلام کنیم و بدون سلام وارد آن مجلس نشویم؛ اما با صدای بلند هم سلام نکنیم؛ در دلمان به همه‌ی جمع سلام کنیم؛ یعنی من آمده‌ام و با سلم، صفا و صلح بر شما وارد می‌شوم؛ هیچ قصد شرّ و آسیب رساندنی ندارم و نیامده‌ام که نکته بگیرم؛ عیب‌جویی کنم؛ برای دشمنان و مخالفان خبر ببرم و داخل این مجلس اختلالی ایجاد کنم؛ نه؛ «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ». انسان این «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» را از ته دل می‌گوید؛ یعنی من با سلم و صفای کامل وارد جمع شما شده‌ام و شما هیچ گزندی از من نخواهید دید. این یکی از معانی سلام کردن است. ولی اشاره کرده‌ایم که وقتی وارد مجلس می‌شویم، یادمان باشد؛ هم سلام کنیم و بدون سلام وارد نشویم و هم با دل سلام کنیم.

اشاره هم کرده‌ایم که هنگامی که وارد مجلس اهل بیت علیهم‌السلام می‌شوید، اوّل به خود اهل بیت علیهم‌السلام سلام کنید؛ بعد به اهل آن مجلس سلام کنید؛ چون مجلسی که با یاد اهل بیت علیهم‌السلام تشکیل شده است و در آن ذکر اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد و معارف اهل بیت علیهم‌السلام گفته می‌شود؛ قبل از همه‌ی حضار و گوینده، خود آنها در آن مجلس حاضرند و آخرین نفری هم که مجلس را ترک می‌کند، آنها هستند. بنابراین به حضور آنها یقین کنیم و وقتی وارد شدیم، اوّل با دل به آنها سلام بدهیم و بعد هم با دل به اهل مجلس سلام کنیم.

این را عرض می‌کردم که سلام جدّی را تازه‌وارد به جمع می‌دهد. وقتی کسی وارد مجلسی شد و یا به کسی برخورد کرد، به او سلام می‌دهد. سلام نماز چیست؟ نمازگزار در معراج نماز از ماسوی‌الله غایب شد. در بحث سجود مفصل گفته‌ایم که نمازگزار در سجده به مقام فنای تام می‌رسد؛ ماسوی‌الله را مطلقاً نمی‌بیند و به مقام محو کلی نایل

می‌شود. در اواخر سجده است که کم‌کم حالت صحو می‌آید. صحو به معنی هشیاری، به خود آمدن و توجه به ماسوی‌الله است و در تشهّد، این حالت به تدریج دوباره به نمازگزار برمی‌گردد.

نمازگزار در این سیر صلاتی و در این معراج نماز خود، از جمع غایب شده و بیرون رفته است. او اینجا نبود؛ اما اکنون برمی‌گردد؛ لذا تازه‌وارد به این جمع است. اینجاست که معنا دارد هنگام بازگشت به دیگران سلام کند و بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». کسی که در نماز خود عروج نکرده است؛ کسی که ذهن او در نماز مشغول عالم کثرت، دنیا و اهل دنیا بوده است؛ سلامش هم سلام جدّی نیست. تو جایی نرفته بودی که حالا سلام می‌کنی! مثل اینکه الآن که شماها کنار یکدیگر نشسته‌اید؛ رویتان را برگردانید و به هم سلام کنید. کجا بودی! تو که از قبل همین‌جا بودی؛ سلام کردن یعنی چه؟! سلام وقتی معنا دارد که فرد در نماز خود از این جمع به بالا و به افق‌های بلند رفته باشد.

آن هنگام سلام او سلام حقیقی است؛ چون این فرد به راستی تازه‌وارد است و الآن از آن سفر برگشته است. این مسافر سیر الی‌الله اکنون که به این جمع برگشت، معنا دارد به جمع سلام کند و بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و الا کسی که ذهنش مشغول دنیا و اهل دنیا بوده است، اصلاً سفری نکرده و به جایی نرفته است؛ او همین‌جا بود. سلامش هم سلام جدّی و پرمعنایی نیست. به تعبیر قرآن که فرمود: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ؛ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱ کسانی که در نماز خود، در غفلتند و اصلاً توجه ندارد که در محضر پروردگارانند و در آن محضر چه می‌گویند و چه می‌کنند؛ قرآن فرمود: وای بر این نمازگزار! نماز می‌خواند؛ ولی

^۱ سوره‌ی ماعون، آیه‌های ۴ و ۵.

وای بر این نمازگزار! کسی که مصداق این آیه است؛ چگونه از سلام کردن خود خجالت نمی‌کشد! تو کجا رفته بودی که اکنون سلام می‌کنی؟ جایی نرفته بودی! شما که همین‌جا تشریف داشتید؛ سلام کردن یعنی چه؟ چون با این سلام چیزی را وانمود می‌کند که واقعیت ندارد و گفتیم به وانمود کردن چیزی که واقعیت ندارد، نفاق و دورویی می‌گویند. وقتی من سلام می‌کنم، یعنی اینجا نبوده‌ام و الآن آمده‌ام. درحالی‌که تو که اینجا بودی! چه‌طور انسان از سلامی که می‌دهد خجالت نکشد؟

نکته‌ی دیگر در بحث سلام نماز این است تمام شدن نماز با سلام یک پیام دارد. می‌خواهد بگوید: نتیجه و دستاورد نهایی نماز و همه‌ی عبادات که در رأس همه‌ی آنها نماز است، رسیدن به مقام سلام، سلامت و امن در باطن و ظاهر وجود، چه برای خود و چه برای دیگران است. هم وجود خود نمازگزار از آنچه می‌کند و در پیش می‌گیرد، در سلامت و امنیت باشد و هم دیگران از او در سلامت و امنیت باشند. این دستاورد نماز و همه‌ی عبادات است. عبادات و به‌ویژه نماز باید ما را به مقام سلام برسانند؛ یعنی هم خودم از گزند خودم و هم دیگران از گزند من در سلامت و امنیت کامل باشیم. اگر نماز مرا به نقطه‌ی سلام نرساند، به پایان نرسیده است. قرآن فرمود: «مَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»^۲ از این «سُبُلَ السَّلَامِ» و از این راه‌های سلام باید به کجا وارد شد؟ باید وارد «دَارَ السَّلَامِ» شد؛ که در آن بدخواهی، آسیب رساندن، آلودگی و قصد و نیت بد نیست. یعنی اگر نماز، نماز است؛ باید ما را به سلام برساند و باید به مقام سلّم نائل شویم. باید

^۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۶.

ببینیم سلام نمازمان چنین خبری می‌دهد و این دستاورد را از نماز در دسترس ما قرار

می‌دهد؟

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ